

روشن‌روان: در دهه ۸۰ سریال‌های ضعیف هم ساخته شده است. آنها فراموش شده‌اند و سریال‌های پرمخاطب آن دهه تکرار می‌شود. با این حال قبول دارم که در آن دهه شرایط سریال‌ها بهتر بود

فرمول ثابت موفقیت سریال‌ها چیست؟

از موفق‌ها که حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟

در بعضی از نوروزها نقطه قوت برنامه‌های سال جدید سریال‌ها هستند اما در کنارش در برخی سال‌ها شاهد سریال‌هایی هستیم که هیچ کدام چنگی به دل نمی‌زنند. برای مثال سال ۹۳ نمونه ای از نوروز سریال‌های دیدنی سیماست اما همین امسال شاهد سریال‌هایی هستیم که نسبت به گذشته افت داشته‌اند. سریال‌های امسال تلویزیون اگرچه باز هم به طور نسبی مخاطبان را با خود همراه کرد اما بیشتر از این مجموعه‌ها، برنامه‌های ترکیبی بودند که شب‌های عید، دورهمی‌های خانوادگی را شادتر و مفرح‌تر کردند. در این گزارش نگاهی داریم به سریال‌های پربیننده نوروز در سال‌های اخیر تا ببینیم چرا این آثار نسبت به سال‌های پیش کمتر توفیق یافتند.

شاید اگر بخواهیم یکی از موفق‌ترین سال‌های تلویزیون در عرصه مجموعه‌های نمایشی نوروزی را نام ببریم می‌توان به سال ۹۳ اشاره کرد که سریال‌های «پایتخت» به کارگردانی سیروس مقدم، «خوب، بد، زشت» به کارگردانی منوچهر هادی، «روزهای بد به در» به کارگردانی سعید آقاخانی و همچنین «ما فرشته نیستیم» به کارگردانی فلورا سام از شبکه پنج روی آنتن رفت که در زیر می‌توان به ویژگی‌های این آثار اشاره کرد.



۱ فیلمنامه‌ها: یکی از دلایلی که باعث شد در سال ۹۳ سریال‌های تلویزیونی به چشم بیایند فیلمنامه‌های متنوعی از کارگردانان تلویزیون بود که باعث شد سریال‌های طنز در فضاهای مختلفی به تصویر کشیده شوند. پایتخت و ماجراهای زوج نقی و هما و همچنین داستان‌های ارسطو و بابا پنجعلی از یک طرف و موقعیت‌های امین حیایی و علاقه او به زنی که از طبقه ای متفاوت با اوست و اتفاقا در زندگی واقعی همسرش است در سریالی دیگر و همچنین خلق موقعیت‌های کمدی در فیلمنامه سعید آقاخانی با استفاده از محبوبیت هومن برق نورد در سریال‌هایی مثل «دزد و پلیس» و «دودکش» و همچنین همراه کردنش با بیژن بنفشه خواه باگریم بامزه‌ای که داشت از جمله المان‌هایی است که در فیلمنامه‌های این سریال‌ها به کار رفته بود و با یک مقایسه می‌توان گفت امسال سریال‌ها کمتر از فیلمنامه‌های قوی و پرمایه بهره مند بودند تا موقعیت‌های جدیدتر و پرکشش تری را برای مخاطب عرضه کنند.

۲ تجربه سپردن کار به موفق‌ها: در این سال یکی از دلایل پربیننده شدن آثار استفاده از کارگردانانی بود که پیش از این موفقیت خود را اثبات کرده بودند. تیم «پایتخت» یعنی عواملی چون سیروس مقدم کارگردان، الهام غفوری تهیه کننده، محسن تنابنده نویسنده و بازیگر و دیگر بازیگران این سریال تا آن زمان دو فصل از این مجموعه را به تولید و پخش رسانده بودند و در نوروز ۹۳ همان تیم فصل سوم این مجموعه را ساخت که با تکرار موفقیت‌های قبلی مواجه شد. همچنین منوچهر هادی پیش از ساخت «خوب، بد، زشت» سریال رمضانی «خداحافظ بچه» را سال ۹۱ روی آنتن برده بود که با استقبال مخاطبان در زمان خودش مواجه شد. سعید آقاخانی نیز قبل از «روزهای بد به در» چندین سریال دیگر از قبیل «دزد و پلیس» و «خروس» ساخته بود که به نوعی می توان گفت نبض مخاطب در دستانش بود. فلورا سام نیز قبل از «ما فرشته نیستیم» سریال «باغ سرهنگ» را در شبکه پنج داشت که اتفاقا آن هم جزو پربیننده‌ها بود و بارها بازپخش داشت.



۳ حضور سینمایی‌ها در تلویزیون: اگرچه حضور بازیگران سینما در تلویزیون همیشه موفق نیست اما می تواند یکی از دلایل جذب مخاطب باشد. حضور امین حیایی در سریال «خوب، بد، زشت» در شبکه دو در آن سال هم از جمله این جذابیت‌ها بود که نقشی لات گونه داشت.

۴ حضور طنزپردازانی مثل هومن برق نورد و بیژن بنفشه خواه در مدلی شبیه به کار «روزهای بد به در» و با کارگردانی هنرمندی چون سعید آقاخانی اگرچه چندان منحصر به فرد نبود اما موقعیت‌هایی کمدی را رقم زد که توانست مردم را در شب‌های نوروز بخنداند. نکته ای که شاید این روزها کمتر به آن توجه می شود و باید دید یک بازیگر طنز تا چه حد قابلیت دارد که خود را تکرار نکند. مثلا همان سال بهاره رهنما در سریال «خوب، بد، زشت» بازی کرد و امسال هم در سریال شبکه پنج حضور داشت و یا حضور بازیگرانی مثل علی صادقی در شبکه یک، مهران غفوریان و یوسف تیموری در شبکه سه نتوانست یک اتفاق جدید را رقم بزند.

۵ مساله مهم‌تر اما شاید نبود برنامه‌های ترکیبی در تلویزیون در آن سال‌ها باشد که هنوز نه «خندوانه»‌ای بود و نه «عصر جدید» و نه اجرای افرادی مثل گلزار در تلویزیون و مردم چاره ای نداشتند جز این که به تماشای سریال‌های نوروزی بنشینند. طی این سال‌ها اما برنامه‌های ترکیبی زیادی در تلویزیون متولد شدند که تنها با یک مجری توانسته‌اند مردم را ساعتی پای قاب جادویی بنشانند و مسحور خود کنند.

در این سال یکی از دلایل پربیننده شدن آثار استفاده از افرادی بود که خود را اثبات کرده بودند. تیم «پایتخت» یعنی عواملی چون سیروس مقدم، محسن تنابنده و دیگر بازیگران این سریال مثال این رویکرد هستند

گفت‌وگو با مهدی روشن‌روان، مدیر اسبق گروه سریال شبکه ۳

در مورد دهه ۸۰ اغراق می‌شود

مهدی روشن‌روان علاوه بر این که جزو نویسندگان سریال «زوج و فرد» است، در گذشته مدیر گروه فیلم و سریال شبکه نیز بوده به همین دلیل تجربیات ارزنده‌ای در همین حوزه دارد. به سراغ او رفتیم تا درباره سریال‌های سال‌های اخیر صحبت کنیم.

برای تصویب و ساخت یک سریال، به خصوص سریال‌های مناسبتی که در نوروز پخش می‌شوند چه مراحلی طی می‌شود؟

طرح اولیه به گروه فیلم و سریال شبکه ارائه می‌شود. سپس به شورای طرح و برنامه نمایشی شبکه ارسال می‌شود. در صورت تصویب طرح در آن شورا، صورتجلسه به مرکز سیما فیلم، برای عقد قراردادِ نگارش فرستاده می‌شود. یک طرح در مراحل شکل‌گیری تغییرات زیادی می‌کند. آنچه بیش از تصویب طرح اهمیت دارد نظارت حین نگارش و تولید است.

چه چیزی تغییر کرده که سریال‌های مناسبتی در نوروز بعضی از سال‌ها مانند دهه ۸۰ همگی از کیفیت قابل قبولی برخوردارند اما بعضی سال‌ها هیچ‌کدام چنگی به دل نمی‌زنند؟

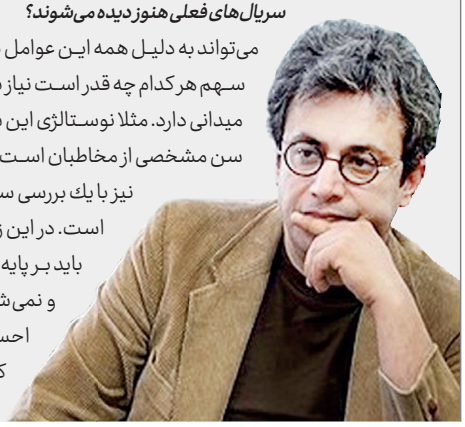
در همان دهه سریال‌های ضعیف هم ساخته شده است. آنها فراموش شده‌اند و سریال‌های پر مخاطب آن دهه تکرار می‌شود. با این حال قبول دارم که در آن دهه شرایط سریال‌ها بهتر بود. یک عامل در این تغییرات دخیل نیست. بلکه عوامل متعددی وجود دارند. در دهه ۸۰ در سازمان ثبات بیشتری وجود داشت. یکی دو سال آخر دوران مدیریت جناب آقای ضرغامی تقریبا شاهد یک رکود در سازمان بودیم. به این مسأله شرایط نامناسب اقتصادی اوایل دهه ۹۰ را هم اضافه کنید. عامل مهم دیگری که سازمان همچنان به آن بی‌اعتناست و می‌تواند تبدیل به پاشنه آشیل کیفیت سریال‌ها شود. تغییر نظام عرضه و تقاضای تولید در دهه ۹۰ است. در دهه ۸۰ تعداد آثار تولیدی کمتر بود. اوایل این دهه سریال‌ها هفتگی پخش می‌شد. با آغاز پخش شبانه سریال‌ها نیز پس از یک سریال تولیدِ داخل، شبکه معمولا یک سریال خارجی روی آنتن می‌برد. به این ترتیب گروه‌ها زمان بیشتری برای نظارت و کنترل کیفیت داشتند.

اخیرا مدیران سازمان به این نتیجه رسیده‌اند برای ارتقای کیفیت سریال‌ها بیایند یک اداره کل جدید راه بیندازند به نام اداره کل فیلمنامه که به نظر بنده هیچ تأثیری بر کیفیت آثار نخواهد داشت.

قواعد ساخت یک سریال خوب در حوزه محتوا و فرم تقریبا به دست آمده، اما هنوز شاهد تعدادی سریال‌های ضعیف یا نهایتا متوسط هستیم. انگار هنوز آزمون و خطا می‌کنیم. دلیل این پدیده چیست؟

کیفیت تولیدات، تابع متغیرهای متعددی است. دانستن قواعد به تنهایی کفایت نمی‌کند. دانش کار در هر زمینه‌ای فقط بخشی از ضروریات است. در کنار دانش، مهارت و بینش هم لازم است.

سریال‌های دهه ۸۰ یا قدیمی‌تر دارای جذابیت هستند و وقتی تکرار آنها پخش می‌شود مخاطبان بشدت درگیرش می‌شوند. این سریال‌ها واقعا جذاب و خوش ساخت هستند یا دلیل نوستالژیک دارند یا به دلیل ضعف سریال‌های فعلی هنوز دیده می‌شوند؟



می‌تواند به دلیل همه این عوامل باشد. این که سهم هر کدام چه قدر است نیاز به یک تحقیق میدانی دارد. مثلا نوستالژی این سریال‌ها برای سن مشخصی از مخاطبان است. سایر عوامل نیز با یک بررسی ساده قابل فهم است. در این زمینه قضاوت باید بر پایه داده‌ها باشد و نمی‌شود نتیجه را احساسی تعیین کرد.